

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س.)
سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸، پیاپی ۴۲، صص ۱۱۱-۱۴۴

کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع.ا.س.)
ورهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی آیات قرآن
فاطمه کیانی^۱
محمد رضا حاجی اسماعیلی^۲
اعظم پرچم^۳

DOI: 10.22051/tqh.2019.20981.2074

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱

چکیده

ثمود به‌عنوان قومی متملن که توانایی مهندسی منابع طبیعی داشتند با جوامع پیشرفته امروز که دچار علم‌زدگی شده‌اند سنخیت دارند امری که نشان‌دهنده اهمیت شناخت زوایای مختلف این داستان قرآنی است. اما ابهاماتی در جزئیات این داستان به‌ویژه در مورد ناقه صالح (ع) مشاهده می‌شود که سبب ایجاد اختلاف میان مفسران شده است. بدین سبب تصویر پژوهی به‌عنوان یکی از شاخه‌های علم زیبایی‌شناسی، به سبب وجود مؤلفه‌های اندیشه، زبان، عاطفه، حقیقت، خیال (تخیل، تشبیه و...) جهت توسعه معنایی و تبیین ابهامات متن ضرورت می‌یابد. از طرفی شناخت بافت موقعیت که شامل بافت فیزیکی، اجتماعی و ذهنی، هدایت‌کننده مخاطب تصویر، به مراد متکلم است. با شناخت مؤلفه‌های تصویرگری در

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. exact_20@yahoo.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) m.hajis1@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. azamparcham@gmail.com

۱۱۲ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (علیه السلام) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

بافت عصر نزول قرآن، مسیر تطبیق تصاویر جهت تربیت مخاطبان عصرهای مختلف هموار می‌شود. در این مقاله سعی می‌شود به‌چگونگی ارتباط مؤلفه‌های تصویری ناقه در بافت فیزیکی، اجتماعی و ذهنی نمود جهت تبیین مبهمات آیات ناقه و چیستی رهیافت‌های تربیتی این داستان در بافت موقعیتی عصر نزول و دیگر عصرها پاسخ داده‌شود. در این تحقیق کوشش می‌شود، ابهامات مذکور با روش تلفیق مؤلفه‌های تصویرگری در موقعیت هم‌زمان نزول و عصرهای مختلف تبیین گردد. بافت فیزیکی - اجتماعی قوم نمود که زمینه‌ساز بافت ذهنی "نکبر" در میان آنان است، با مؤلفه‌های تصویرگری نمایش داده‌شده است. خداوند، به اقتضای این صفت، پیدایش شتر از دل کوه را، جهت اتمام حجت و برنامه تقسیم آب را، جهت آزمایش نمود، برگزید. خداوند با برشی از زندگی افرادی که با برتری‌جویی به مقابله با آیات خدا برخاسته‌اند، کفار مگه را در بافت هم‌زمانی نزول (که هم‌چون نمود علم و تمدن ساخت بنا در کوه نداشتند) و تمامی طغیانگران را در بافت در زمانی هشدار می‌دهد که سرانجامی سخت در پیش دارند.

واژه‌های کلیدی: قرآن، بافت در زمانی، بافت هم‌زمانی، مؤلفه‌های تصویر، ناقه صالح (ع).

مقدمه

قوم نمود در قرآن کریم به‌عنوان قومی مهندس و متمدن قلمداد شده‌اند که مهارت زیادی در معماری و توسعه اراضی در دل کوه و استخراج آب جهت بهسازی کشاورزی داشته‌اند؛ گروهی که به امکانات عصر خود قانع نشدند و با استعداد فکری خویش و سخت‌کوشی بر شرایط پیروز شدند. چنین پیشرفتی در زندگی مادی و فیزیکی بر نوع نگرش اجتماعی و ذهنی ایشان تأثیر گذاشت و آنان را به افرادی متکبر و برتری‌طلب تبدیل نمود، امری که امروزه با پیشرفت روزافزون علم و ارتقاء شرایط رفاهی زندگی در جوامع پیشرفته سنخیت دارد. خداوند جهت هدایت قوم نمود ناقه‌ای بر ایشان فرستاد که دارای

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س)، سال ۱۶، پیاپی ۴۲، ۱۱۳

ویژگی‌هایی به لحاظ نوع پیدایش و شرایط زیستی بود. فهم زوایای مختلف از سال ناقه در میان قوم ثمود، علاوه بر شناخت تأثیر این آیات بر مردم جاهل و متکبر مکه در عصر نزول، رهیافت‌هایی جهت هدایت انسان‌ها در عصرهایی که بشر به سمت علم‌زدگی و جاهلیت مدرن پیش می‌رود، دربردارد.

طرح مسأله

داستان قوم ثمود از داستان‌های کوتاه قرآن کریم است که ابهاماتی در تفسیر بعضی زوایای آن وجود دارد. این ابهامات عبارتند از:

الف) چگونگی ارتباط و کیفیت جان‌شینی قوم ثمود نسبت قوم عاد از موضوعاتی است که مورد اختلاف مفسران واقع شده است.

ب) مکان زیست و ساختار زندگی قوم ثمود، از مسائل مورد ابهام این داستان است.

ج) خانه‌سازی در کوه توسط قوم ثمود با وجود اینکه این قوم براساس آیات قرآن بر روی زمین صاحب خانه‌هایی بزرگ بودند: «وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا» از ابهامات مورد اختلاف مفسران است.

د) نوع عذاب نزول یافته بر ثمود، در آیات مختلف به صورت‌هایی متفاوت (صاعقه، زلزله و صیحه) بیان شده است که از موضوعات قابل مناقشه در این داستان است.

هـ) نقطه اوج این داستان موضوع «ناقه» است که با اوصاف متعددی چون (آیه، بینه، فتنه...) در آیات بدان اشاره شده است. پیدایش ناقه و خصوصیات زیستی آن و ارتباط آن با نبوت حضرت صالح (ع) در میان قوم ثمود از جمله مسائل مورد ابهام در این داستان است.

لذا سؤال اصلی این تحقیق چنین است: تحلیل تصویرپردازی در درون انواع بافت موقعیتی آیات (بافت هم‌زمانی و در زمانی)، چه نقشی در تبیین داستان ناقه صالح (ع) دارد؟
سؤالات فرعی نیز عبارتند از:

الف- کارکرد مؤلفه‌های تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه صالح (ع) چیست؟

۱۱۴ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

ب- رهیافت تربیتی حاصل از هم‌نشینی مؤلفه‌های تصویرگری با بافت موقعیتی عصر نزول آیات و دیگر عصرها چیست؟

فرضیه‌های تحقیق نیز به شرح زیر است:

۱- جهت تبیین ابهامات و جزئیات داستان ارسال ناقه، عناصر شکل‌دهنده تصویر، تحت تأثیر بافت موقعیتی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. بدین روش، در سه بعد، اهداف ارسال ناقه در داستان قوم ثمود، اهداف نزول آیات در شرایط «هم‌زمان» عصر رسالت و پیام آن برای مخاطبان، «در زمان»‌های مختلف تبیین می‌گردد.

۲- عناصر تصویر، با تبیین ابعاد مختلف فیزیکی اجتماعی و ذهنی ثمود، بیانگر صفت غرور و برتری‌جویی در میان این قوم است

۳- داستان ارسال ناقه از دل کوه بر قوم ثمودی که با تمام توان در کوه خانه می‌ساختند نشانگر قدرت‌نمایی خداوند در برابر مستکبران جهان است. امری که نشانگر نیاز بشر به تزکیه نفس با وجود تمام نعمت‌های مادی و معنوی است که از آن برخوردار است؛ چراکه انسان بدون تزکیه دچار سرکشی می‌شود؛ امری که سرانجامی سخت در برابر برتری‌جویان عالم در پی خواهد داشت.

پیشینه تحقیق

در پاسخ بدین مسائل در کتب تفسیری و مقالات شاهد تلاش‌های متعددی هستیم که به ترتیب عبارتند از:

الف) غالب مفسران جانشینی ثمود نسبت به عاد را ترتب زمانی می‌دانند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۳ ص ۳۹۴ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴ ص ۶۷۹). برخی نیز جانشینی مکانی یعنی تملک زمین‌های قوم عاد را پس از ایشان (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۵۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸ ص ۱۸۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۸ ص ۲۶۸) مطرح می‌کنند؛ گرچه شیخ طوسی در جای دیگر برخلاف این نظر، عنوان می‌کند که مکان زندگی ثمود متفاوت از مکان زندگی عاد بوده است. (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۶). برخی علاوه بر دو شاخصه زمان و مکان، جانشینی

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س.)، سال ۱۶، پیاپی ۴۲، ۱۱۵

در قوا و استعداد را به عنوان مسأله حضور ثمود بعد از عاد بر زمین بیان می کنند. (نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۷۴).

ب) در مورد جغرافیا و ساختار زندگی قوم ثمود نیز ابهاماتی وجود دارد برخی مفسران با استناد به آیاتی از قرآن (نک شعراء: ۱۴۷ و ۱۴۸) معتقدند این قوم در منطقه ای با شرایط مساعد مواجه بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۷).

همچنین علیرضا بهار دوست در مقاله ای با عنوان «قوم ثمود» در شماره ۱۶۶ مجله گلستان قرآن سال ۱۳۸۲ بیان می کند که کوه های منطقه حجر به اندازه ای نرم بوده که قوم ثمود می توانستند در آنجا خانه بنا کنند. اما برخی مفسران چون آلوسی به نقل از ابو عمرو بن علاء و لغویون مانند نحاس مکان زندگی قوم ثمود را بر اساس معنای لغوی «ثمود» منطقه ای کم آب معرفی نموده اند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۲، ص ۳۶۶؛ نحاس، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۱). فخررازی و دیگران روایت نقل شده از عبدالله بن عمر از پیامبر اکرم (ص) را در مورد منطقه حجر، (بین حجاز و شام) که مکانی خشک و کوهستانی در راه حج ساکنان شام است مطرح می کنند مکانی که تنها دارای یک چاه آب جهت استفاده مردم آنجا بوده است (نک: بخاری، ۱۹۹۰، باب احادیث الانبیاء، ح ۳۳۷۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۳۰۴). براساس این نظر باید گفت قوم ثمود با شرایط سخت جغرافیایی مواجه بودند که البته با استعداد فراوانی که خداوند به ایشان ارزانی داشته بود توانستند بر آن پیروز شوند و کوه و آب را به تسخیر خویش در آورند.

ج) در مورد علت خانه سازی در کوه، برخی چون طبری و طبرسی براساس روایتی از عمرو بن خارجه از پیامبر اکرم (ص) دلیل زندگی در کوه را عمرهای طولانی مردمان ثمود بیان کرده اند؛ براین اساس قوم ثمود نیاز به خانه هایی داشتند که بتوانند متناسب با عمر خود در آن مدت طولانی به زندگی ادامه دهند (نک: طبری، ج ۱۲، ص ۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۸۰). طبرسی همچنین در جایی دیگر و آلوسی به نقل از ابن عباس، خانه های کوهستانی را جهت زندگی در شرایط سخت زمستان و خانه های کوهپایه ای را مسکن تابستانه ثمود نامیده اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۷۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۰۲).

۱۱۶ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

بر اساس این دو نظر خانه سازی در کوه مطابق با نیاز قوم ثمود بوده است. اما قرطبی ضمن بیان اقوال فوق، روایتی از پیامبر(ع) را نقل می‌کند که تأمل برانگیز است: «من بنی فوق مایکفیه جاء به یوم القيامة یحمله علی عنقه» که نشان می‌دهد ساخت خانه بر مبنای نیاز ثمود نبوده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۲۳۹) اگرچه قرطبی سخنش را در این مقوله ابتر گذاشته و دلیل خانه‌سازی در کوه را در صورت عدم نیاز، که می‌تواند ناشی از بافت ذهنی برتری طلبی این قوم می‌باشد، بیان نکرده است.

۵) در مورد نوع عذاب الهی بر ثمود برخی مانند علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۱۸۲) و صدرالدین بلاغی در مقاله «صالح(ع)» در مجله کانون، به صاعقه به‌عنوان وجه جامع دیگر عذاب‌ها یعنی زلزله و صیحه اشاره کرده‌اند. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی در کتاب «باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن» به نقل از پژوهش‌های باستان‌شناسی، آتش‌فشان را دلیل عذاب الهی بیان می‌کند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۴) البته بر اساس روایتی که علی بن ابراهیم قمی نقل می‌کند صاعقه و زلزله (بدون اشاره به صیحه) در عرض هم به‌عنوان عذاب معرفی شده است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۳۲).

هـ) در مورد خصوصیات ناقه قاضی عبدالجبار معتزلی معتقد است اعجاز ناقه به سه جهت بوده است: خروج آن از کوه، عدم پیدایش آن از جنس مؤنث و مذکر و بلوغ آن بدون تدریج.

شیخ طوسی از سدی و طبری از ابن اسحاق از یعقوب بن عتبّه بن مغیره بن احنس نقل کرده‌اند آب آشامیدن ناقه به اندازه مصرف کامل یک روز ثمود و شیردادن در روز بعد به تمام قوم، نمود آیه و بینه بودن ناقه است (نک طوسی، ج ۴ ص ۴۴۹، طبری، ج ۸، ص ۱۶۰). قول چهارمی که فخررازی بیان می‌کند چنین است که روزی که ناقه به سمت آب حرکت می‌کرد دیگر حیوانات قوم ثمود از رفتن به سمت آب خودداری می‌کردند و در روزی که نوبت به قوم ثمود می‌رسید حیوانات دیگر هم به سمت آب می‌رفتند (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۳۰۵). به نظر می‌رسد این قول برگرفته از همان سخن سدی و ابن اسحاق باشد (SID.ir)

فیزیکی ناقه بوده که باعث وحشت دیگر حیوانات می شده است؛ در این صورت امتناع حاصل از وحشت در حیوانات جز بزرگی ناقه، هیچ وجه اعجازی را برای ناقه اثبات نمی کند. البته فخررازی اقوال چهارگانه فوق را بیان می کند اما به نقد و تحلیل این اقوال نمی پردازد.

در مورد کیفیت پیدایش ناقه، مفسران این حیوان را به عنوان معجزه ای که به اذن الهی در برابر درخواست قوم ثمود از دل کوه خلقت یافته بود، معرفی کرده اند و تنها به همین امر اکتفا می نمایند. اما اینکه چرا در میان حیوانات مختلف، شتری از نوع «ناقه» و در میان عناصر طبیعت، «کوه» جهت مکان پیدایش آن، مورد انتخاب واقع شده و ارتباط این نوع نشانه با ساختار زندگی ثمود سخنی به میان نیامده است. همچنین در مورد برنامه خداوند جهت آب نوشیدن شتر و قوم ثمود (یک روز شتر و یک روز قوم ثمود) اختلافاتی وجود دارد برخی به نقل از ابی طفیل، سدی و ابن اسحاق، بزرگی فیزیکی شتر را دلیل بر این نوع برنامه ریزی می دانند (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۴۴۹). در مقابل علامه طباطبایی این میزان بزرگی شتر را خلاف مسلمات عقل معرفی می کند اما دلیلی بر این نوع برنامه ریزی مطرح نمی کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۱۷).

همان طور که مشاهده می شود در میان مسائل موجود در داستان قوم ثمود، مکان و ساختار زیستی و فکری قوم ثمود، حکمت ارسال نشانه ای از نوع ناقه از دل کوه و متعاقب آن برنامه ریزی الهی در مورد آب، همچنین نوع عذاب نزول یافته بر ثمود اختلافاتی وجود دارد.

در این مقاله کوشش شده به ابهامات پیرامون ناقه صالح (ع) با رویکردی جدید حاصل تلفیق عناصر تصویرپردازی و عناصر بافت موقعیتی در قرآن پرداخته شود اگرچه تبیین ساختار قوم ثمود نیز به سبب مرتبط بودن با بحث حاضر مطرح خواهد شد. بدین روش می توان اهداف تربیتی داستان ارسال ناقه را، از طرفی در شرایط هم زمان نزول آیات و از سوی دیگر رهیافت های این تصویرگری را، در مواجهه مخاطبان «در زمان» های مختلف،

۱۱۸ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

نمایش داد. در نهایت روش تحقیق حاضر را می‌توان به‌عنوان شیوه‌ای در تفسیر موضوعی قصص قرآن، مطرح نمود.

۱. مبانی نظری تحقیق

به‌منظور آشنایی با روش تحقیق حاضر به تبیین مبانی نظری تصویرپژوهی پرداخته خواهد شد تا در بخش بعد جهت تبیین ابهامات موجود در داستان ناقه صالح (ع) مورد کاربرد واقع شود.

۱-۱. آشنایی با تصویرپژوهی و زیبایی‌شناسی

تصویرگری از شاخه‌های علم زیبایی‌شناسی است. زیبایی‌شناسی براساس رویکردهای مختلف روانشناسی، عرفانی، کلامی و گرایش‌های مختلف تفسیری و ادبی توصیف‌گر ابعاد متفاوتی از زیبایی است. «تصویر پژوهی» از شاخه‌های گرایش تفسیری-ادبی علم زیبایی‌شناسی است. بررسی زیبایی شناختی قرآن از قرن دوم آغاز گردید. شناخت نکات بلاغی چون مجاز و تشبیه... در آثاری چون «معانی القرآن» فراء، «تاویل القرآن» ابو عبیده، تبیین اعجاز بیانی قرآن در «نکت فی اعجاز القرآن» خطابی، «اعجاز القرآن» رمانی، «دلایل الاعجاز» جرجانی و آثار تفسیری چون «کشف» زمخشری نشانگر رویکرد زیبایی‌شناسی تصویری البته با نگاهی محدود در این آثار است.

اما نهضت تصویرگری به‌عنوان یک نظام ارتباطی در غرب از قرن بیستم ظهور کرد که در آثار فرمالیست‌ها چون رولان بارت و همفکرانش با عنوان «بررسی ساختاری متن» و تبیین مباحث ارتباط لفظ و معنا دیده می‌شود. در نقد ادبی جدید بر پایه نظرات علمای عربی و غربی تحقیقاتی هم در حوزه نظریه‌پردازی وهم در حوزه کاربردی دیده می‌شود. نخستین کسی که به صورت خاص تصویر هنری را در قرآن مورد بررسی قرارداد، سید قطب بود. او در مجله «المقتطف» مقالاتی تحت عنوان «التصویر الفنی فی القرآن الکریم» در سال ۱۹۳۹ میلادی منتشر کرد. او در سال ۱۹۴۵ م. اثری جامع با عنوان «التصویر الفنی

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء^(ع.ا.ه)، سال ۱۶، پیاپی ۴۲، ۱۱۹

فی القرآن» عرضه نمود. این کتاب مقدمه‌ای برای نگارش کتاب‌های دیگر در این زمینه شد.

دکتر شفیعی کدکنی نیز در سال ۱۳۵۰، کتابی با عنوان «صور خیال در شعر پارسی» نگاشت که به رویکرد سبک‌های ادبی نسبت به تصویرگری پرداخته است. عبدالسلام احمد راغب در کتابی با عنوان «کارکرد تصویر هنری در قرآن» که در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسید مفهوم تصویر را از کارکردهای بلاغی محدود به کارکردهای سیاق‌محور و سعت بخشید. در سال ۱۳۸۷ ش حمید محمد قاسمی کتابی را با عنوان «جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در قرآن» به رشته تحریر درآورد. همچنین مقالاتی با عناوین مختلف به موضوع تصویر هنری در قرآن، به قلم سید حسین سیدی انتشار یافته است مانند مقاله «تطبیق مؤلفه‌ها و انواع تصویر هنری، در سوره نبأ» در مجله پژوهش‌های اسلامی.

هدف نویسندگان در این مقاله، تطبیق مؤلفه‌های تصویرگری و انواع آن می‌باشد که برای تبیین ابعاد هنری تصویر، در آیات قرآن ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، تحقیقاتی در حوزه تصویرپردازی قرآن در جهت تبیین ابعاد زیبایی‌شناسی آیات ارائه شده‌اند؛ اما تاکنون، تحقیقی از تصویر و مؤلفه‌های آن، در جهت تبیین مبهمات قصص قرآن با تلفیق در بافت سخن انجام نشده است.

۱-۲. انواع نگاه تفسیری ادبی به تصویر

نگاه مفسران به زیبایی‌های ادبی قرآن کریم از دو بعد قابل بررسی است:

الف) تفسیر ادبی مفردگرا: نگاه مفردگرا به متن، نگاهی جزءگراست که نکات بلاغی را با جداسازی از متن مورد بررسی قرار می‌دهد. این نگاه به سبب جدایی از ساختار کلی متن نگاهی محدود و ناقص تلقی می‌شود.

ب) تفسیر ادبی بافت‌گرا: در نگاه بافت‌گرا کلیت و بافت سخن تجزیه نمی‌شود و هر تصویر در ارتباط با کل متن و در درون شرایط پیرامونی ایراد متن تفسیر می‌شود. با این نگاه (که به لحاظ جامعیت در ارائه معنا قابل مقایسه با تفسیر مفردگرا نیست) شناخت هر

۱۲۰ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان نایقه حضرت صالح (علیه السلام) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

تصویر، مستلزم شناخت مؤلفه‌هایی از درون و برون‌متن است (نک: فتوحی، ۱۳۸۵، صص ۲۹-۳۱).

۱-۳. بررسی مفهوم «تصویر» و مؤلفه‌های آن

«تصویر»^۱ در اصطلاح زیبایی‌شناسی ادبی، بهره‌گیری از الفاظ با شیوه و نظم دقیق است، به گونه‌ای که یک مفهوم خاص را در قالب حقیقتی زنده ارائه دهد و ضمن برانگیختن احساسات مخاطب، پیام خاصی را به وی منتقل نماید (محمد قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۶۱). با توجه به این که، انسان دارای حیات مادی است و درک امور حسی، آسان‌تر از مفاهیم عقلی است، بهترین روش برای تصویرگری امور معنوی، داستان‌پردازی است. «تصویر» در داستان، با برشی از زندگی دیگر انسان‌ها، امور نامحسوس را برای بشر ملموس می‌نماید (پروینی، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

بخش قابل توجهی از قرآن کریم، به ذکر داستان اختصاص یافته، که هر یک، درسی زنده در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و آن‌ها را به عبرت‌آموزی از این وقایع، فرامی‌خواند. (محمد قاسمی، ۱۳۸۷، صص ۳۰۰-۲۹۹).

تصویر هنری جهت نمایش معنا از عناصری تشکیل شده است که عبارتند از:

الف) اندیشه: عنصر اندیشه، جان‌مایه تصویر است. قدما از دیر باز، به اهمیت اندیشه، در تصویرگری و نقش آن در بازنمایاندن فکر و در نهایت، تأثیر بر مخاطب، اشاره کرده‌اند: «ان شئت ارتکال معانی اللطیفه التي هی من خبا یا العقل کانهما قد جسمت حتی راتها العیون» (جرجانی، بی تا، ص ۳۳). این سخن، نشان‌گر این است که کار تصویر، نمایاندن نادیدنی‌ها و خدمت به اندیشه‌هاست. در قرآن کریم، تصاویر جهت اثبات آموزه‌های دینی و ارتباط میان خالق و مخلوق، به کار می‌رود.

ب) زبان: «زبان»، ابزار انتقال اندیشه‌ها و عواطف به حساب می‌آید (احمد الراغب، ۱۳۸۷، صص ۶۲-۶۳) و قواعد زبان‌شناسی، موجب سهولت شناخت معنای قراردادی واژه‌ها

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س)، سال ۱۶، پیاپی ۴۲، ۱۲۱

و نشانه‌ها، می‌شود (احمدی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹). زبان عربی با توانمندی‌های ساختاری، از زبان‌های برجسته، در تصویرپردازی است. ترکیب حروف، واژگان و عبارات در زبان عربی، جلوه گاه این امتیاز است. در قرآن کریم واژگان، با دارا بودن سبک ادبی برجسته (فاضلی، ۱۳۶۵، ص ۳۷۳) زنده و پویا عمل کرده و در همین حال، با حالات و شرایط مخاطب، هماهنگ عمل می‌کنند.

ج) حقیقت: صدق هنری، به معنای عرضه نیکو، بیان منسجم و ماهرانه سخن است (سید قطب، ۱۹۸۸م، ص ۲۵۹). در مقابل صدق هنری، از بیان «واقعیت»، کمتر سخن به میان آمده است. بسیاری شاعران و نویسندگان به گمان این که، واقع‌نگاری از تأثیر کار می‌کاهد به صدق واقعی، توجه نکرده و بر روی ابعاد هنری سخن، متمرکز شده‌اند. شاید توجه بیش از اندازه به ابعاد هنری، تصاویر آن‌ها را از نفوذ به دنیای درون خواننده، باز داشته است. باین وجود امتیاز تصاویر قرآن، بیان حقیقت به گونه‌ای است که دامنه معنا و قدرت تأثیر را، دوچندان می‌کند.

د) خیال: در تصویرگری، مؤلفه خیال (تخیل)، این امکان را به متکلم می‌دهد تا بر پایه واقعیت‌های محسوس، مفاهیم مجرد و انتزاعی را به ذهن مخاطب پیوند دهد. بدین صورت، تصویر آمیخته با واقعیت و خیال با نفوذ از دریچه احساس و ادراک، تأثیری دوچندان خواهد داشت (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، ص ۲). این مؤلفه در علوم بلاغی با اموری چون تشبیه، تجسیم و ... نمایش داده می‌شود.

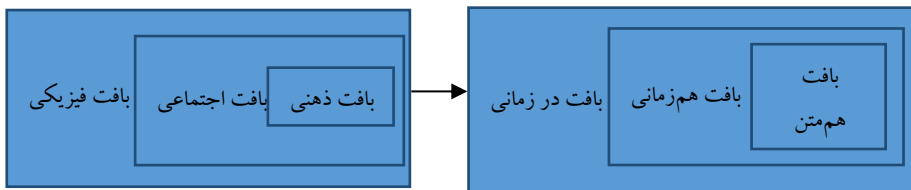
هـ) عاطفه: راز تأثیر گذاری یک اثر، به عنصر عاطفه بازمی‌گردد. بدون عاطفه، اثر سرد و بی‌روح می‌شود. به همین سبب گفته می‌شود، تصویر بی‌عاطفه، بی‌محتواست (عشماوی، ۱۹۸۱م، ص ۹۵). درواقع، میزان تأثیر گذاری تصویر در خواننده، با میزان برانگیختگی عواطف او، رابطه مستقیمی دارد.

۱۲۲ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

۱-۴. بررسی مفهوم «بافت موقعیتی»

«بافت موقعیتی»؛ شامل فضای محیط حاکم بر مخاطبه متکلم با مخاطب است که در رأس آن، عواملی چون وضع اجتماعی، روانی و محیطی مخاطبه، قرار دارد (عموش، ۱۳۸۸، ص ۳۰). در واقع، در هر کاربری زبانی دو معنا قابل پیش‌بینی است؛ اول، «معنای جمله»^۱ که تصویر، با تکیه بر بار معنایی واژگان در بردارد؛ دیگری «معنای متکلم»^۲ که در ارتباط با بافت محیط، شکل می‌گیرد؛ معنایی که، صرفاً در ترکیب واژگانی زبان، نمی‌گنجد، بلکه به تناوب شرایط پیرامونی تبیین می‌شود. لذا ما در تحلیل مؤلفه‌های تصاویر، نیازمند کسب اطلاع از بافت پیرامونی هستیم که براساس نظریه "وان دایک"؛ شامل بافت فیزیکی (صحنه‌آرایی)، اجتماعی و بافت ذهنی حاکم بر تصاویر است (صانع‌پور، ۱۳۹۰، ص ۷۲).

با توجه به هدایت جاودان قرآن برای تمامی اعصار، بافت موقعیتی قرآن را، می‌توان به دو نوع دیگر دسته‌بندی نمود؛ بافت موقعیتی، در مخاطبه با مخاطب عصر نزول، که «بافت هم‌زمانی» و در مخاطبه همان متکلم در همان متن با مخاطبان عصرهای بعد از نزول، «بافت در زمانی» نامیده می‌شود (عموش، ۱۳۸۸، ص ۴۳۳). بنابراین، مؤلفه‌های تصویر داستانی، باید بر اساس عناصر بافتی، در هم‌متن سوره، در ساختار کلان «هم‌زمان» نزول و در ساختار زمانی کلان‌تر؛ یعنی، ادوار «در زمانی»، شناسایی شوند.



¹ sentence meaning

² speakers meaning

۲. کارکرد عناصر تصویر در تبیین داستان ناقه صالح(ع)

در این بخش، براساس آنچه در بخش قبل بیان شد، عناصر سازنده تصویر هنری در داستان ناقه صالح(ع)، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا ابهامات موجود در این قسمت از داستان تبیین گردد:

۲-۱. کارکرد مؤلفه اندیشه، در تصویرگری ناقه

اندیشه دینی در داستان ثمود، در سور مختلف، متمایز و در عین حال زنجیره‌وار، بیان‌گر اندیشه کلان قرآن، از داستان ثمود است. در این قسمت به‌عنوان نمونه؛ از مؤلفه اندیشه، در سوره شمس، یاد می‌شود و تأثیر آن در دیگر سور ضمن بیان مؤلفه‌های دیگر، ذکر می‌گردد. محوریت سوره شمس، بیان پیامدهای عدم تزکیه نفس و هلاکت یک جامعه، در تقابل تصویری تاریخ و طبیعت است. آنچه در تصویرگری قصه قوم ثمود مشهود است، صحنه تقابل «فجور» در برابر «تقوی» (بازرگان، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۳۳)؛ و در نهایت پیروزی خداوند بر قدرت مخلوقاتی است که با گناه از نفس خویش، بت‌هایی ساخته و بدان فریفته شده‌اند.

قرآن کریم ابتدا با قسم، تصاویر قدرت‌نمایی خالق هستی را در طبیعت، به رخ نیازدگان کشیده است (شمس: ۶-۱)؛ و نشان می‌دهد که دیگر جایی برای قدرت‌نمایی غیر خدا، در هستی وجود ندارد. در تصویر بعد، تابلو نفس انسانی، ماهیت و سرانجام مرتبط با ماهیتش، نمایش داده می‌شود (شمس: ۱۰-۸). سپس، صحنه وارد عملکرد تصاویر تاریخی، در برابر عملکرد تصاویر طبیعت می‌شود. قوم ثمود، به‌عنوان نمونه اقوام قدرتمند و گردنکش، وارد نمایش قرآن می‌گردد. داستان، از تصویر طغیان این قوم، آغاز می‌شود: «كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَيْهَا * إِذْ أُنْبِئَتْ أَشْئُهَا» (شمس: ۱۲-۱۱) که نمودی از بافت ذهنی قوم ثمود، در برابر هدایت الهی است.

تصویر قومی که، به سبب داشتن قدرت (بافت اجتماعی)، در برابر خداوند؛ خالق

خورشید، ماه، روز و شب و مهم‌تر از همه، وجود خود او (نفس)، گردنکشی را، از حد

۱۲۴ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

گذراننده است. «انبعث»، نمودی از بافت اجتماعی قوم ثمود را، در تشویق و افتخار بر طغیان و گزینش جمعی شقاوت، نشان می‌دهد. بدین صورت خداوند در این تصاویر، افراد سرکش در برابر فرامین الهی، به‌خصوص عاقر ناقه را، شقی‌ترین افراد و پیامبر و معجزه او را، با انتساب به نام اعظم خویش، والاترین افراد معرفی می‌کند: «فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيِيهَا» (شمس: ۱۳).

۲-۲. کارکرد مؤلفه زبان در تصویرگری ناقه

در میان مؤلفه‌های تصویرپردازی، زبان، با توجه به اصالت معنایی واژگان قرآن (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹)، می‌تواند نقش مهمی در شناخت ویژگی‌های ناقه صالح (ع) و قوم ثمود، داشته باشد.

واژه «ثمود»، برگرفته از ریشه «ثمد»؛ به معنای آب اندکی است که در زمین سخت جمع می‌شود و در زمستان ظاهر و در تابستان، از بین می‌رود (فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۰). به‌همین منظور، به‌آبی که بر اثر استعمال افراد، جزاندگی از آن باقی نماند «ماء مثمود» گویند (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۰۵). اگرچه گفته شده، علت نام‌گذاری این قوم به ثمود، انتسابشان به «ثمودبن جاثر» (کاثر یا عابر) است.

همچنین محتمل است با توجه به بافت فیزیکی آیات، این قوم در مکانی کم‌آب می‌زیسته‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۲۵۱، به نقل از ابوعمرو بن علا) و به‌همین سبب، نامشان منتسب به نام فردی شده که، متناسب با شرایط خاص زندگی ایشان بوده‌است.

واژه «ناقه» نیز، برگرفته شده از «نوق» است. «استنوق الجمل» یعنی آن شتر در رام‌بودن هم چون ناقه گردید. «المنوق» یعنی هر چیزی که رام‌شده باشد؛ مانند میوه‌ای که از شاخه به گونه‌ای آویزان شود که جهت چیدن نزدیک باشد (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۳۶۴). «تنوق فلا نفي أمور»؛ زمانیست که فرد کارش را، در نهایت نیکویی انجام دهد (فراهیدی، ۱۳۸۳ش، ج ۵، ص ۲۲۰). هم‌چنین در عرب، زمانی که شتر به سن جوانی می‌رسید، نام «ناقه» می‌گذاشتند (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۲۴۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۲،

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س.)، سال ۱۶، پیاپی ۴۲، ۱۲۵

ص ۲۹۸). بنابراین، «ناقه» شتر ماده‌ای است که جوان بوده، به نیکویی تربیت شده و دارای منافع متعددی است.

قرآن کریم در آیات «قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ» (اعراف: ۷۳) و «وَأَتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً» (اسراء: ۵۹)، به تصویرگری مشخصات ناقه؛ چون «آیه»، «بینه» و «مُبْصِرَةً» پرداخته است. این ناقه «آیه» است؛ زیرا نشانه‌ای بر حقانیت نبوت است. هم‌چنین ناقه صالح (ع)، «بینه» می‌باشد که نشانگر وضوح این نشانه، بر مورد اشاره است؛ یعنی معجزه ناقه، به قدری روشن بوده که جای هیچ‌گونه شبهه‌ای در آن، باقی نمی‌مانده است. هم‌چنین به «مبصره» بودن ناقه، اشاره شده است؛ یعنی ناقه باعث بصیرت‌زایی قوم ثمود می‌شده، به همین دلیل خداوند در آیه: «وَعَادًا وَ ثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّن مَّسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ هُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالُهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ» (عنکبوت: ۳۸)، قوم ثمود را «مستبصر» معرفی نموده؛ یعنی کسانی که به سبب ظهور براهین، حق را از باطل تشخیص می‌دهند (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۴، ص ۳۴۴).

۲-۳. کارکرد مؤلفه واقعیت در تصویرپردازی ناقه

مؤلفه حقیقت، در تبیین اعجاز ناقه صالح (ع)، در سه محور قابل مشاهده است:

۲-۳-۱. واقعیت نعمت‌های الهی بر قوم ثمود

بیان واقعیت نعمت‌های الهی بر قوم ثمود، غالباً از زبان صالح (ع) جهت تنبه ایشان بیان گردیده است؛ مانند: «فِي جَنَاتٍ وَ عُيُونٍ * وَ زُرُوعٍ وَ نَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ * وَ تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ» (شعراء: ۱۴۹-۱۴۷) که همه نشانه حقیقت بافت فیزیکی زندگی قوم ثمود است. حضرت صالح (ع) قبل از بیان نعمت‌ها، به سنتی الهی اشاره می‌کند: «أَتُرْكُونَنِي فِي مَا هَاهُنَا ءَامِنِينَ» (شعراء: ۱۴۶)؛ یعنی با این نعمت‌ها، شما رها نیستید، بلکه بدان‌ها امتحان می‌شوید.

۱۲۶ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

اندیشه محوری در سوره شعراء، موضوع «آثار تکذیب ربّ العالمین» است (بازرگان، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۶۵)؛ تکذیبی که به تناسب ادوار زمانی و نعمت‌های الهی در اقوام مختلف، نمودی خاص پیدا می‌کند. آیات سوره شعراء، علاوه بر ترسیم امنیت قوم ثمود و حاصل‌خیزی زمین‌های کشاورزی به‌عنوان نعمت‌های ویژه قوم ثمود، تکذیب اهل مکه هم‌عصر نزول را، نسبت به وجود نعمت کعبه به‌عنوان محور امنیت اجتماعی و اقتصادی مکه، نشان می‌دهد.

در سوره اعراف نیز حضرت صالح (ع) چنین بیان می‌دارد: «وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا» (اعراف: ۷۴). این آیات، بافت فیزیکی امکانات موجود در دست بشر را، که به بافت اجتماعی خاصی منجر شده، به تصویر کشیده‌است؛ امنیت، رفاه، قدرت و هوش اموریست که با عنوان «آلاء الله» یاد شده است؛ امری که نقش مؤثری در ایجاد شالوده توحید و تربیت اخلاقی، در انسان دارد. وقتی انسان صاحب حقیقی نعمت‌های موجود در هستی را، خداوندی می‌داند که می‌تواند بر اساس حکمت خویش نعمتی بدهد؛ دیگر خود را مالک حقیقی نعمت‌ها نمی‌بیند. در این صورت، به جای این‌که با نعمت‌های الهی مغرورانه فساد کند، مسؤلانه رشد می‌نماید: «فَأَذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (اعراف: ۷۴).

خداوند در سوره عنکبوت بیان می‌کند که، قوم ثمود به سبب استکبار در برابر حق، قدرت واقع‌نگری خویش را از دست دادند: «وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَ زَيْنِ هُمْ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ» (عنکبوت: ۳۸)؛ که نشانی از بافت استکبار ذهنی قوم ثمود، می‌باشد.

سوره عنکبوت، با اندیشه سنت امتحان در قالب نعمت‌های الهی در میان اعصار مختلف، نزول یافته (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۹۹) که موقعیت قوم ثمود را، با توجه به قدرت فکری در ایجاد مسکن در کوه، نشان می‌دهد؛ امری که سبب بافت اجتماعی «صد سیل» و در نهایت ظلم به آیت الهی گردید: «وَءَاتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا» (اسراء: ۵۹). بیان‌گشتن ناقه، نشان از صدق واقعی در آیات قرآن است؛ بیان حقیقت این ظلم، هنگام

تعذیب قوم تصویرسازی شده است: «فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْظِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (توبه: ۷۰). بدین صورت، اینان در واقع نه به ناقه، بلکه به خویشتن ظلم نمودند. خداوند، به بیانی قاتل ناقه را، بدبخت ترین فرد معرفی می کند: «إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا» (شمس: ۱۲)؛ یعنی فردی که در میان قوم خویش آن چنان صاحب امتیاز است که، منتخب مسئولیت بزرگی چون از بین بردن ناقه الله می شود، در واقع، بدسرانجام ترین افراد خواهد بود؛ زیرا قدرتی را که از نعمت های الهی بوده، در جهت نافرمانی خدا و سقوط خویش به کار برده است.

۲-۳-۲. واقعیت اعجاز ناقه

نوع اعجاز، در هر عصری بر اساس بافت پیرامونی و از جنس پیشرفته ترین امور مربوط به همان زمان است، تا مدعی نبوت با آن تحدی کند و در نتیجه، انگیزه همگان برای مقابله با او منبعث شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۶۳). باید گفت، اهمیت شتر از دیرباز در میان عرب، امری غیرقابل انکار است. شترداری، به درازای تاریخ زندگی عرب در شنزارهای خشک عربستان است. مهم ترین ویژگی شتر، داشتن قابلیت فیزیولوژیکی این حیوان است که، تحمل بی آبی را برای شتر هموار می سازد. به همین سبب، در میان قبایل عرب که در صحراهای بی آب و علف زندگی می کردند، شتر موجودی ارزشمند تلقی می شد، به گونه ای که بعد از گذشت عصرهای گوناگون و پیشرفت وسایل نقلیه، شتر، هنوز ارزش خویش را در میان عرب از دست نداده است. بنابراین، می توان به اهمیت این حیوان در میان قوم ثمود، به عنوان یکی از قبایل عرب عاربه پی برد (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۳۰).

اهمیت موضوع، زمانی روشن می شود که بینیم شتر مذبور، «ناقه» بوده است؛ یعنی، ماده شتر جوانی که رام بوده و به خوبی تربیت شده و نه تنها آزاری برای کسی نداشته، بلکه فرزندآور و شیرده بوده است.

در مقابل، «کوه» نماد اقتدار و امنیت قوم ثمود می باشد. این قوم، تمام تمدن خویش را در دل کوه ها به نمایش گذاشته بودند: «وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ» (فجر: ۹). کوه، SID.ir چنان با زندگی قوم ثمود عجین شده که از منطقه زندگیشان با عنوان سنگ «حجر» و از

۱۲۸ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

خودشان به‌عنوان یاران سنگ «اصحاب الحجر» یاد شده است (حجر: ۸۰). بدین شکل می‌توان به اهمیت بروز ناقه از دل کوه جهت اتمام حجت بر ثمود پی‌برد.

۲-۳-۳. واقعت فتنه ناقه

مهم‌ترین نعمت قوم ثمود، هدایت با ارسال ناقه به‌عنوان آیت الهی بود که، در مقابل، برای قوم ثمود ایجاد مسئولیت می‌کرد؛ مسئولیتی که حامل سنت آزمایش الهی بود. به همین سبب، خداوند در سوره قمر، حضرت صالح (ع) را به جنبه فتنه‌گری ناقه آگاه نموده است: «إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَأَصْطَبِرْ» (قمر: ۲۷).

خداوند در سوره اسراء، آیات الهی را مایه تخویف امت‌ها بیان کرده است: «وَمَا تُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا» (اسراء: ۵۹). «تخویفی» بودن ناقه با وعده عذاب، در صورت عدم مراعات حقوق ناقه-از زبان حضرت صالح (ع)- در سه مورد در بیان وظایف قوم، محرز است:

الف) سفارش به آزاد گذاردن ناقه در زمین که با عبارت «فَذَرُوهَا» (اعراف: ۷۳ و هود: ۶۴) بدان اشاره شده و این آزادی با آزادی چریدن در زمین «تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ» (هود: ۶۴) تبیین گردیده است.

ب) سفارش به عدم هرنوع برخورد که به آسیب ناقه منجر شود؛ که با عبارت «وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ» (هود: ۶۴) آمده است.

ج) مهم‌ترین سفارش، که بقیه سفارشات در راستای آن قرار دارد، سفارش به برنامه‌زمانی آشامیدن آب توسط ناقه است: «قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَ لَكُمْ شِرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ» (شعراء: ۱۵۵) و «وَبَيَّنَّهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ» (قمر: ۲۸). خداوند برای آزمایش قوم ثمود، قوانینی جهت آب نوشیدن ناقه قرار داد، تا قوم ثمود به سبب حفظ حرمت این آیت، حرمت الهی را پاس دارند. تصویر «آب» به‌عنوان نقطه عطف حیات ثمود، امری است که باید مورد توجه واقع شود. با توجه به ریشه «ثمد» و بافت فیزیکی سرزمین «حجر» در عربستان، می‌توان دریافت که منطقه زیست قوم ثمود نسبت به مناطقی چون جنوب عربستان، منطقه‌ای کم‌آب بوده است (بیومی‌مهران، بی‌تا، ص ۱۴۳).

با این وجود، در سوره شعراء، تابلویی از تصاویر نعمت‌های قوم ثمود؛ هم‌چون وجود کشت و زرع و چشمه‌های متعدد ترسیم شده‌است: «أَتُرْكُونَ فِي مَا هَاهُنَا ءَامِنِينَ * فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ * وَ زُرُوعٍ وَ نَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ» (شعراء: ۱۴۸-۱۴۶). در واقع، با قرار دادن این واقعیت در کنار بافت فیزیکی زندگی قوم ثمود می‌توان به بافت اجتماعی این قوم دست یافت. بر این اساس، قوم ثمود با پیشرفت در مهندسی جغرافیای مسکونی، بیش‌ترین استفاده را از کمترین امکانات جغرافیایی می‌نمودند. قوم ثمود با مدیریت، کم‌آبی را مهار نموده و آب چاه را مانند جویبار به سمت باغ‌های خویش روان می‌داشتند؛ به همین سبب، در منطقه‌ای خشک و کوهستانی کشتزارانی متعدد داشتند.

حال با این که ناقه می‌توانست مانند بقیه حیوانات با چریدن و نوشیدن عادی ادامه حیات دهد؛ اما خداوند ثمود را، در بوته امتحان قرار داد و با آب، که با توجه به بافت ذهنی ثمود با ارزش بود، آزمایش کرد. در روابط بینامتنی، شبیه به چنین آزمایشی در آیات طالوت، به چشم می‌خورد. سربازان طالوت که برای مقابله با جالوت طی طریق می‌کردند، به هنگام تشنگی به آبی پاک برخورد کردند؛ اما در عین پاک و حلال بودن، خداوند جهت آزمایش لشگر، قانونی جهت استفاده از آب قرار داد؛ که بر اساس آن هر کس تنها می‌توانست مشتی از آن آب را بنوشد (بقره: ۲۴۹).

درباره قوم ثمود نیز، خداوند جهت استفاده از آب چاه، روزی را برای شتر و روزی را برای قوم ثمود، قرار داد. بدین روش، قوم ثمود در بهره‌برداری از آب چاه برای مزارع خویش، با برنامه‌ای جدید روبه‌رو شدند که قوانین گذشته را در هم می‌شکست. قوم ثمود، ناقه را مزاحم منافع اقتصادی خویش و نمادی از پیروزی حق بر بت‌پرستی باطل، به‌شمار آوردند؛ به همین سبب درصدد کشتن ناقه برآمدند.

۲-۴. کارکرد مؤلفه خیال در تصویرگری ناقه

در آیات «فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا» (شمس: ۱۳) و «وَيَأْقُومُ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ

۱۳۰ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

صالح (ع)، با اضافه به اسم جلاله الله «ناقة الله» معرفی شده است. با توجه به این که تمام هستی مملوک خداوند است، مفسران اضافه «ناقه» به اسم «الله» را، از نوع اضافه تشریفی دانسته‌اند. این اضافه، به جهت تشریفی بودن، خصوصیتی مهم برای ناقه ایجاد می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۱۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۳۱۶).

بعضی بر اساس روایات، این خصوصیت برجسته را در پیدایش و بزرگی جثه شتر می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۷۹)؛ اما با توجه به بافت آیه، می‌توان به راز این اضافه پی برد. در سوره شمس، به رعایت حق آب «نَاقَةَ اللَّهِ وَ سُئِيهَا» (شمس: ۱۳) و در سوره هود، به حق آزادی این حیوان: «و يَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَمَنْ أَكُلَ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا يَمَسُّهَا بِشَوْءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ» (هود: ۶۴)، اشاره شده است. به همین سبب، اضافه تشریفی «ناقه الله» نشان از ارتباط این اضافه با حرمت قوانینی است که خداوند برای این موجود قرار داده بود؛ مانند اصطلاح «بیت الله» که بر کعبه نهاده شده است.

هم چنین عبارات «إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ» (قمر: ۲۷) و «وَأَنبِئْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ» (اسراء: ۵۹)، با انتساب ارسال و ایتای ناقه به خداوند، با لفظ متکلم مع‌الغیر، عظمت این آیت الهی را نشان می‌دهد. در آیه ۲۷ سوره قمر، خداوند از «ارسال» ناقه سخن می‌گوید؛ در حالی که واژه «ارسال»، به افراد ذی‌شعوری اطلاق می‌شود که، قابلیت تحمل رسالت را داشته باشند. با این بیان، خداوند علاوه بر تعظیم ناقه - با توجه به واژه «فتنه» -، ناقه را، حامل رسالتی بزرگ؛ یعنی «امتحان الهی» معرفی می‌نماید. بیان تحلیلی خداوند، بزرگداشت ناقه را با تبیین حرمت این حیوان، گره می‌زند. بدین روش، مخاطبان به سبب انتساب ناقه به خداوند متعال، به حقیقت امتحان در ارسال ناقه و حرمت قوانین الهی آن، آگاهی می‌یابند.

۲-۵. کارکرد مؤلفه عاطفه، در تصویرگری ناقه

عاطفه ناصحانه موجود در کلام صالح (ع) در مورد ناقه، به دو طریق هویدا می‌شود؛ ابتدا در تصویرگری اعجاز ناقه: «قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ» (اعراف: ۷۳)؛ «فَقَالَ يَوْمَ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَ آتَيْتَنِي مِنْهُ رَحْمَةً» (هود: ۶۳)؛ حضرت

صالح(ع) این بینه را، فرستاده شده از طرف «پروردگار ثمود» معرفی می کند «رَبُّكُمْ»، تا میان ربوبیت الهی و قوم ثمود پیوندی عاطفی برقرار کند. سپس، با توجه به عبارت «لَكُمْ» و «رَحْمَهُ»، وجود «ناقه» را امری حامل رحمت، برای ثمود معرفی می نماید؛ که مهم ترین منفعت آن، آیت بودن این حیوان در اثبات صدق نبوت است. بدین شکل، حضرت صالح(ع) میان قوم ثمود و آیت بودن «ناقه»، پیوندی برقرار می کند. مستکبران ثمود، نبوت را امری در جهت رساندن منفعت به پیامبران قلمداد می کردند؛ در صورتی که پیامبران حقیقت هدایت را، منفعتی برای راهیان هدایت می دانستند.

مسیر دوم بروز عاطفه، به جنبه امتحانی ناقه اشاره دارد. در آیه: «فَدَرُوهَا تَأْكُلُ فِي اَرْضِ اللّٰهِ وَ لَا تَمْسُوهَا بِسَوْءٍ فَيَاْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ» (هود: ۶۴) حضرت صالح(ع)، «ناقه» را آیتی بزرگ معرفی می کند که مردم می توانند به سبب مشاهده آن، راه یابند و به سعادت برسند، اما باید متوجه حرمت قوانین الهی در مورد «ناقه» باشند؛ زیرا در صورت تعرض به این حرمت، عذابی سخت در پیش خواهند داشت.

۳. رهیافت های تربیتی داستان ناقه در بافت هم زمانی و در زمانی

در این بخش با توجه به کارکردهای بیان شده از عناصر تصویر به رهیافت های تربیتی این داستان در عصر نزول و عصرهای مختلف پرداخته می شود:

۳-۱. رهیافت تربیتی مؤلفه اندیشه

مؤلفه اندیشه در تصاویر ناقه، نشان می دهد عظمت و حقارت هر چیز، در گرو نزدیکی به خداوند متعال، معنا می یابد. تصویر ناقه و قوم ثمود در قرآن، نمایشگر پیروزی حتمی خداوند و آنچه به او منتسب می باشد، بر سرکشانیست که به قدرت خویش فریفته شده و به سبب عدم تزکیه، حامی شقاوت و طغیان گردیده اند.

خداوند با این تصاویر، میان مستکبران متخصص ثمود و مستکبران مگه و موقعیت

هم زمانی عصر نزول، پیوند برقرار نموده است. مستکبران مگه، به سبب داشتن قدرت

۱۳۲ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

سیاسی و اجتماعی، که نمود بافت اجتماعی ایشان در عصر نزول آیات است، راه طغیان در پیش گرفته و در واقع به دنیا فریفته شده و به جای تزکیه نفس، به بیراهه گردنکشی افتاده‌اند، که نمودی از بافت ذهنی ایشان است. تصاویر قوم ثمود در ساختار کلان، در بافت «در زمانی»، نشان می‌دهد که نعمت‌های دنیوی؛ چون قدرت، ثروت، تخصص و... که برای هر عصر و نسلی، متناسب با آن زمان برجسته می‌شود، اگر همراه با تزکیه نباشد، به دلیل دوری از منبع هستی، به مسیری جز شقاوت منتهی نمی‌شود.

۲-۳. رهیافت تربیتی مؤلفه زبان

مؤلفه زبان در آیات ناقه، نشان می‌دهند که معجزه الهی در عصر رسالت پیامبر اکرم (ص) نیز «آیه» و نشانه صدق رسالت پیامبر (ص) است؛ «بینه» و گواه روشنی است که، تاریکی‌های شک را می‌زداید و «مبصره» است، که برای جویندگان حقیقت که طالب معجزه‌ای عقل‌گرا، چه در بافت هم‌زمانی و چه در بافت «در زمانی» عصرهای مختلف هستند، اتمام حجت می‌کند. به همین دلیل در سوره هود، که از سور مبین ناقه است، آیات تحدی با قرآن وجود دارد: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرْتَهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (هود: ۱۳).

بنابراین، مخاطبان این کتاب الهی، به لحاظ بافت ذهنی، در هر عصری «مستبصر» هستند. این نکته، در مورد بافت پیرامونی نزول سوره عنکبوت، که حامل پیام سنت امتحان الهی است، نیز قابل توجه است. این سوره، در دوران نزد یک به هجرت نزول یافته (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۹۹) یعنی زمانی که مشرکان با اطلاع از هجرت مسلمانان، تمام تلاش خود را جهت بازداشت نزدیکان و فرزندان مسلمان خویش، می‌کردند و شرایط هجرت را برای ایشان، طاقت‌فرسا نشان می‌دادند. خداوند در این سوره، با توجه به بافت اجتماعی نزول، تأکید می‌کند سنت امتحان در مورد ره‌یافتگان به بینه الهی، همواره جریان دارد و مسلمانان باید بدانند که ایشان با آیات مبصره، مستبصر شده‌اند؛ باید مراقب باشند که www.SID.ir به سبب کم‌آبی، منافع اقتصادی را بر بصیرت خویش برگزیدند و نابود

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س)، سال ۱۶، پیاپی ۴۲، ۱۳۳

شدند، نروند و خانه، وطن و خانواده‌هایشان را، از مسیر سخت اما پربرکت هجرت، باز ندارد.

۳-۳. رهیافت تربیتی مؤلفه واقعیت

رهیافت تربیتی مؤلفه واقعیت در داستان ناقه در بافت عصر نزول و اعصار بعد در دو موضوع قابل بررسی است:

۳-۳-۱. واقعیت نعمات الهی بر ثمود

مؤلفه واقعیت در تصویرگری نعمات الهی میان ثمود علاوه بر ترسیم امنیت ثمود و حاصل خیزی زمین‌های کشاورزی به‌عنوان نعمت‌های ویژه قوم ثمود، تکذیب اهل مکه هم عصر نزول را، نسبت به وجود نعمت کعبه به‌عنوان محور امنیت اجتماعی و اقتصادی مکه، نشان می‌دهد. سوره اعراف، با اندیشه لزوم پایبندی انسان، در برابر پیمان خداوند و نعمت‌های الهی (بازرگان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۴۲)، به نقل از شواهد تاریخی هم‌زمان با دوران محاصره در شعب ابی‌طالب نزول یافته، تا مسلمین را با تمام توان، بر عهد خویش در برابر قادر هستی پایبند و در برابر تعهد شیطانی اهل مکه در حصر و فشار (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۴) بر مسلمین، مقاوم نماید. این عهد الهی و آن عهد شیطانی، در ادوار مختلف تاریخی هم‌چنان ادامه دارد و انسان در هر عصری، باید با تعهد در برابر خداوند، نعمت‌های الهی را در راستای رضایت ولی نعمت، استفاده نماید.

نعمت‌های الهی قوم ثمود، در سوره فجر نیز از زبان خداوند به تصویر کشیده شده است؛ قوم ثمودی که با قدرت استکبار فکری خویش، به تسخیر جغرافیای طبیعی پرداخته: «وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ» (فجر: ۹)؛ با بافت هم‌زمانی نزول مکی آیات؛ یعنی عصر قدرت قریش و شکنجه مسلمین، پیوند برقرار می‌کند. آیات انتهایی سوره، که تصویری از شکنجه‌های قیامت است: «فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ» (فجر: ۱۳)؛ پایانی است بر شکنجه‌هایی که مستکبران ثمود و متعاقب آن گردنکشان مکه، بر مستضعفان روا

۱۳۴ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (علیه السلام) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

می‌داشتند. بدین صورت، سوره فجر، با محوریت اندیشه حرکت در نظام طبیعت و تاریخ، نمود خروج روشنایی حق «و الْفَجْرِ» (فجر: ۱) از اوج تاریکی، در برابر مخاطبین در زمانی قرآن است.

در سوره اسراء که به گزارش برخی منابع تاریخی به سبب تقارن با معراج پیامبر (ص) در سال‌های ابتدایی بعثت نزول یافته (یعقوبی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۲۶؛ راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۳) به مسأله معراج به عنوان آیت بزرگ الهی و تکذیب مشرکین در برابر آن، اشاره شده است. هم‌چنین، برپایی نظام تربیتی در آیات ۲۳ تا ۳۹ این سوره، در برابر توهین‌های مشرکین مگه، بافت اجتماعی حاکم بر موقعیت هم‌زمانی آیات رانشان می‌دهد. قوم ثمود، ناقه و مشرکان مگه، قرآن را تکذیب کردند. قوم ثمود، آیت الهی را به سخت‌ترین شکل از بین بردند و مشرکان مگه در صدد توهین به مسلمین، قتل و تکذیب آیات الهی برآمدند. خداوند با این تصویرگری از واقعیت ثمود، مستکبران جهان را در موقعیت‌های «در زمانی» مختلف، به دچار شدن به عقوبت این قوم، که با وجود رشد فکری دچار کوردلی شدند، تهدید می‌کند. قرآن کریم بیان می‌دارد که، ظلم به بیانات الهی، چیزی جز ظلم به خویشستن و افتادن در شقاوت نیست. با این بیان، مؤلفه صدق هنری، مخاطبین را به فضایی که متکلم در عصر ثمود شاهد آن بوده، سیر می‌دهد تا مخاطبین در تجربه قوم ثمود با تجسم رفتارها و عواقب ایشان، شریک شوند.

۳-۲-۳. واقعیت اعجاز و فتنه ناقه در بافت قرآنی

سوره قمر، با اندیشه هشدار، نازل گردیده و در میان سور قرآن، دارای بیش‌ترین واژگان تنذیری است. در ابتدای سوره، از کفر و اعراض مشرکان در برابر آیات الهی، که نشانه بافت ذهنی و اجتماعی عصر نزول می‌باشد، سخن به میان آمده است: «وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» (قمر: ۲)؛ که در واقع نشانه عملکرد کفار ستیزه‌جو در زمان‌های مختلف در برابر آیات و هشدار خداوند، به جنبه امتحانی آیات است. این موضوع، با بافت

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س.)، سال ۱۶، پیاپی ۴۲، ۱۳۵

هم متن سوره شعراء که تکذیب آیات پروردگار را در ادوار مختلف بیان می کند، قابل مشاهده است.

این سوره به شهادت آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴)؛ که مشتمل بر مأموریت رسول خدا(ص) در اوایل بعثت است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۵۰)، بافت اجتماعی مگه «هم زمان» نزول را، نشان می دهد. در حالی که، جغرافیای مگه حتی قابلیت ایجاد کشت و زرع را نداشت، مشرکین مگه امنیت اجتماعی و اقتصادی خویش را مرهون نعمت های الهی از جمله؛ وجود مسجد الحرام و نزول قرآن؛ به عنوان یگانه قانونی بود که می توانست ایشان را از جاهلیت، به تمدنی انسانی نجات دهد. اما کفار مگه به جای پاسداشت نعمت قوانین الهی، مقابل جریان هدایت، راه تکذیب را در پیش گرفتند: «إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعُزُولُونَ» (شعراء: ۲۱۲)؛ امری که پیامبر اکرم(ص) را بسیار ناراحت نمود.

به همین سبب، یکی از اغراض این سوره، تسلی خاطر رسول خدا(ص) است، که به جهت تکذیب نبوت و قرآن توسط قومش آزرده خاطر می گشت. این معنا از اولین آیه آن که می فرماید: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ * لَعَلَّكَ بَاحِخٍ نَفْسِكَ إِلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۲-۳)، هویدا است. بدین صورت، این آیات، مشرکین تکذیب کننده آیات الهی را، به سرنوشت قوم ثمود تهدید می کند؛ امری که همواره در زمان های مختلف، در مقابله باطل، با رهبران حقیقت و آیات الهی مشهود است.

۳-۴. رهیافت تربیتی مؤلفه خیال در تصویرگری ناقه

اضافه تشریفی «ناقه الله» نشان از ارتباط این اضافه با حرمت قوانینی است که خداوند برای این موجود قرار داده بود؛ مانند اصطلاح «بیت الله» که بر کعبه نهاده شده است. همان طور که مشهود است، کعبه به لحاظ ظاهری فرق چندانی با بناهای دیگر ندارد؛ اما خداوند به سبب عنایت ویژه نسبت به این مکان، قوانینی را قرار داد که بندگان با احترام به این قوانین، رشد یابند. مسلماً تمامی نعمت های موجود در طبیعت، چه خارق عادت باشند و چه نباشند، منتسب به خداوند هستند؛ اما این اضافه تشریفی به صورت خاص، در قوه خیال

۱۳۶ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (ع) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

مخاطب، عظمتی دوچندان را از ناقه به تصویر می‌کشد و ایشان را به تواضع در برابر آیات الهی، وادار می‌سازد.

بیان تخیلی خداوند، بزرگداشت ناقه را با تبیین حرمت این حیوان، گره می‌زند. بدین روش، مخاطبان به سبب انتساب ناقه به خداوند متعال، به حقیقت امتحان در ارسال ناقه و حرمت قوانین الهی آن، آگاهی می‌یابند. این قوانین، در هر عصر و نسلی توسط پیامبران الهی به مردم ابلاغ می‌شود. آیات الهی، علاوه بر هدایت انسان‌ها، حامل قوانینی هستند که سنت امتحان را در جوامع مختلف نشان می‌دهند؛ با توجه به اندیشه هشدار در سوره قمر و اینکه به اعتقاد برخی این آیات متضمن تهدید مشرکین مگه قبل از هجرت پیامبر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۵۵). باید گفت هشدار و امتحان در آیات الهی در زمان‌های مختلف، دو روی یک سکه هستند که با مؤلفه خیال، در تصویرپردازی قرآن نمایش داده شده‌اند.

۳-۵. رهیافت تربیتی مؤلفه عاطفه

سوره اعراف و هود به شهادت مضامین آیات در دوران مکه نزول یافته (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۶ و ج ۱۰، ص ۱۳۶) که نشانگر بروز سختی‌ها و ورنج درونی و بافت ذهنی پیامبر (ص) است؛ به همین سبب در سوره هود چنین آمده: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (هود: ۱۱۲). به کمک تصویرگری، مخاطب تحت تأثیر قدرت عاطفی سخنان حضرت صالح در برابر ثمود در معرفی ناقه، در حالتی میان خوف و رجا واقع می‌شود و در برابر «ناقه»، خود را هم راغب به هدایت و هم مسئول حفظ خود از عذابی سخت می‌داند.

در این سوره، تصویرگری داستان ناقه صالح (ع)، درس عبرتی است نسبت به بی‌رحمان قریش که به گزارش برخی منابع تاریخی با وجود شنیدن صدای ناله کودکان مسلمان در شعب ابی طالب (ابن کثیر، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۸۴)، مسیر شقاوت را در برابر آیات الهی پیش گرفته‌اند تا بدانند پیامبر (ص)، برادر دلسوز ایشان است. با بیان داستان حضرت صالح (ع)،

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س)، سال ۱۶، پیاپی ۴۲، ۱۳۷

حس عاطفه پیامبر(ص) نسبت به قومی که کوچک ترین رحمی به پیامبر خدا نداشتند، برانگیخته شده و درس استقامت تا آخرین لحظه به ایشان و دیگر مسلمانان، داده می شود. بر این اساس، به جای رویش بذر کینه، احساس ترحم نسبت به قومی که نه به آیات الهی، بلکه به خویش ستم می کنند، در وجود رهیافتگان حق در برابر آزار اهل باطل، در زمان های مختلف رویانده می شود

نتیجه گیری

تصویرگری در درون بافت موقعیتی با مولفه های اندیشه، خیال، حقیقت، زبان و عاطفه، بافت فیزیکی، اجتماعی و ذهنی قوم ثمود و خصوصیات ناچه را در فضای ثمود به تصویر می کشد و داستان این قوم را با بافت هم زمانی عصر نزول، گره می زند. این امر باعث پیوند پیام داستان، با مخاطبان در زمانی اعصار مختلف می گردد. بدین صورت که در بافت درون داستان، کم آبی و کوه تصویری از شرایط فیزیکی مکان زیست قوم ثمود است. در مقابل ایجاد مزارع سرسبز و بناهایی در دل کوه به عنوان تصویری از بافت اجتماعی حاصل از عملکرد ثمود در برابر این شرایط را نشان می دهد، امری که سبب ایجاد بافت سرکشی و برتری طلبی در میان قوم ثمود می شود.

خداوند در برابر این شرایط نشانه ای جهت هدایت قوم ثمود ارسال می کند که دارای خصوصیات ویژه ایست. ناچه ای که به سبب رام بودن و شیردهی کارکردی مثبت در بافت اجتماعی ثمود دارد و از طرفی به سبب خروج از دل کوه درهم شکننده بافت ذهنی غرور ثمودست تا قومی که در دل کوه، خانه می سازند، ببینند که خداوند قدرتی فوق قدرت ایشان را داراست. با اتمام حجت بر ثمود، خداوند بر اساس بافت فیزیکی و ذهنی این قوم، ایشان را با مسأله تقسیم بندی آب مورد آزمایش قرار می دهد.

بدین شکل تصاویر حاصل از ناچه و ثمود نمایشگر تناسب ویژگی اتمام حجت و امتحان الهی با بافت موقعیتی هر عصر، چه در بافت درون داستان و چه در بافت موقعیتی هم زمانی نزول و چه در بافت در زمانی اعصار مختلف است. داستان ناچه در میان ثمود به

۱۳۸ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (علیه السلام) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

سبب کارکرد عناصر تصویر در درون بافت موقعیتی آیات دارای رهیافت‌های تربیتی می‌باشد؛ تصاویر داستان قوم ثمود در شرایط نزول آیات قرآن کفار جاهل مکه را که جز خونریزی و شهوت‌رانی افتخاری نداشتند و ذره‌ای از تمدن و قدرت ثمود را در مهندسی جغرافیا داران بودند و با این حال به سبب سرکشی حاصل از نفوذ اجتماعی و اقتصادی، مسلمانان را تحت فشار شدید قرار می‌دادند به سختی تهدید می‌کند.

دیگر اینکه آیات مذکور زنگ خطرست برای تمام صاحبان علم و تمدن در عصرهای مختلف که اگر استعداد‌های خدادایشان را با تزکیه نفس همراه نکنند و نعمت را بدون صاحب اصلی آن مدنظر قرار دهند و با آیات الهی مقابله نمایند در آتش برتری جویی خواهند افتاد و سرانجامی جز نابودی و ذلت نخواهند داشت.

منابع

۱. **قرآن کریم**.
۲. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، **تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۰ق)، **البدایه و النهایه**، بیروت: مکتبه المعارف.
۵. ابن منظور، محمد (۱۴۱۶ق)، **لسان العرب**، بیروت: داراحیاء تراث العربی.
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، **روض الجنان و روض الجنان فی تفسیر القرآن**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. احمد راغب، عبدالسلام (۱۳۸۷ش)، **کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم**، تهران: انتشارات سخن.
۸. احمدی، بابک، (۱۳۷۵ش)، **ساختار و تاویل متن**، تهران: نشر مرکز.
۹. بازرگان، عبدالعلی، (۱۳۸۷ش)، **نظم قرآن**، تهران: انتشارات قلم.

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س)، سال ۱۶، پیاپی ۴۲، ۱۳۹

۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۹۹۰م)، **صحیح البخاری**، قاهره: وزارة الاوقاف جمهوریة العربیة.
۱۱. بی آزار شیرازی، عبد الکریم، (۱۳۸۰ش)، **باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. بیومی مهران، محمد، (بی تا)، **بورسی تاریخی قصص قرآن**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. پروینی، خلیل، (۱۳۷۹ش)، **تحلیل عناصر ادبی و هنری در داستانهای قرآن کوریم**، تهران: انتشارات فرهنگ گستر.
۱۴. ثعلبی، ابواسحاق، (۱۴۲۲ق)، **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۶۸ش)، **دلایل الاعجاز**، ترجمه محمد رادمنش، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ش)، **قرآن در قرآن**، قم: نشر اسراء.
۱۷. راوندی، قطب الدین سعید بن هبه الله، (۱۴۰۹)، **الخرايج و الجرايج**، قم: موسسه الامام المهدي.
۱۸. سید قطب، (۱۳۶۰ش)، **آفرینش هنری در قرآن**، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: انتشارات بنیاد قرآن.
۱۹. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۰ش)، **صور خیال در شعر پارسی**، تهران: انتشارات آگاه.
۲۰. صانعی پور، محمد حسن، (۱۳۹۰ش)، **مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش)، **مجمع البحرین**، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

۱۴۰ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان نایقه حضرت صالح (علیه السلام) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

۲۴. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. عشاوی، محمدزکی، (۱۹۸۱م)، *فلسفه الجمال فی فکر المعاصر*، بیروت: دار النهضة العربیه.
۲۶. عموش، خلود، (۱۳۸۸ش)، *گفتمان قرآن*، ترجمه سیدحسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
۲۷. فاضلی، محمد، (۱۳۶۵ش)، *دراسة و نقد فی مسائل بلاغیه هامه*، تهران: موسسه تحقیقات فرهنگی.
۲۸. فتوحی، محمود، (۱۳۸۵ش)، *بلاغت تصویر*، تهران: انتشارات سخن.
۲۹. فخرالدین رازی، ابو عبدالله، (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۳۸۳ش)، *کتاب العین*، قم: انتشارات اسوه.
۳۱. قائمی‌نیا، علیرضا، (۱۳۹۰ش)، *معنا شناسی شناختی قرآن*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۲. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۳. محمدقاسمی، حمید، (۱۳۸۷ش)، *جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۶. نحاس، احمد بن محمد، (۱۴۲۱ق)، *اعراب القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۷. نیشابوری، حسن بن محمد، (۱۴۱۶ق)، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۴۳۱ق)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: شرکه الاعلمی للمطبوعات.

Bibliography:

1. The Holy Qur'an.
2. 'Amili JM. The Correct Biography of the Great Prophet of Islam. Qom: Open Cultural Publishing Geraphic Institute; 1373 HS
3. 'Amūsh Kh. The Qur'anic Discourse. Trans: Sayed Hossein Seyedi. Tehran: Sokhan; 1388 HS.
4. 'Ashmāwī MZ. Falsafat al-Jamāl fī Fikr al-Mu'aṣṣir. Beirut: Dar al-Nahḍ at al-'Arabīyah; 1981.
5. Abdurra'ūf Hussein. Methodology of the Qur'an. Trans: Parviz Azadi. Tehran: Imam Sadeq University; 1390 HS.
6. Ahamdi B. Structure and the Interpretation of the Text. Tehran: Markaz; 1375 HS.
7. Ahmad Rāghib AS. The Application of Artistic Image in the Holy Qur'an. Tehran: Sokhan; 1387 HS.
8. Ayati ME. The History of the Prophet of Islam, Muhammad (PBUH). Tehran: University of Tehran; 1391 HS.
9. Bayoumi Mehran M. The Historical Review of the Qur'anic Stories. Tehran: Scientific and Cultural Publications; nd.
10. Bazargan AA. The Order of the Qur'an, Tehran: Qalam; 1387 HS.
11. Dekhoda AA. Dictionary of Dekhoda. Tehran: University of Tehran; 1377 HS.
12. Fakhr al-Dīn Rāzi AAMB'. Mafātīḥ al-Ghayb. Beirut: Dār Iḥ yā' al-Turāth al-' Arabī; 1420 AH.
13. Farāhīdī KhbA. Kitāb al-'Ayn. Qom: Osveh; 1383 HS.
14. Fazeli M. Dirāsātun wa Naqd fī Masā'il Bilāghīyah Hāmmah. Tehran: Cultural Studies and Researches Institute; 1365 HS.
15. Ibn Kathīr, I. Tafṣīr al-Qur'an al-' Azīm. Beirut: Dār al-Kutub al-' Ilmīyah, Muhammad Ali Bayḍ ūn Publication; 1419 AH.
16. Ibn Manẓ ūr MBM. Līsān Al-' Arab. Beirut: Dār ' Iḥ yā' al-Turāth al-' Arabī; 1416 AH.
17. Javadi 'Amoli A. The Qur'an in the Qur'an. Qom: 'Asrā'; 1389 HS.
18. Jurjānī AQ. Dalā'il al-'Ijāz fī 'Ilm al-Ma'ānī. Translated by: Mohammad Radmanesh. Mashhad: Astan Quds Raḍ awī; 1368 HS.
19. Majlisī MB. Biḥ ār al-'Anwār al-Jāmi' li Durar 'Akhbār al-'Aimmat al-'Aṭ hār. Qom: Islāmīyyah; 1386 HS.
20. Mohammad-Qasemi H. Expressions of the Art of Imagery in the Qur'an. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1387 HS.
21. Mostafawi H. Al-Taḥ qīq fī Kalamāt al-Qur'an al-Karīm. Tehran: Translatiing and Publishing Center; 1360 HS.

۱۴۲ مقاله علمی - پژوهشی: «کارکرد تصویرپردازی در تبیین داستان ناقه حضرت صالح (علیه السلام) و رهیافت‌های تربیتی آن در بافت موقعیتی»

22. Parvini Kh. Analysis of the Literary and Artistic Elements of the Stories of the Holy Quran. Tehran: Farhang-Gostar; 1379 HS.
23. Qaeminia A. Manashenasi Shenakhti Qur' an (Cognitive Semantics of the Qur' an). Tehran: Islamic Culture and Thought Research Center; 1390 HS.
24. Qurṭ ubī MbA. Al-Jāmi' li Aḥ kām al-Qur' an. Tehran: Naser Khosrow Publication; 1364 HS.
25. Salman-pour MJ & Sabour-zadeh M. The Music of the Qur'an. Tehran: Osveh; 1395 HS.
26. Sanei-pour MH. The Bases of Discourse Analysis in the Qur'an. Tehran: Imam Sadeq University; 1390 HS.
27. Saussure F. Course in General Linguistics. Trans: Kouros Safavi. Tehran: Hermes; 1378 HS.
28. Sayed Quṭ b. Artistic Representation in the Qur'an. Trans: Mohammad Mehdi Fouladvand. Tehran: Qur'an Foundation; 1360 HS.
29. Shafiei Kadkani MR. Imaginary Illustrations in the Persian Poem. Tehran: Agah; 1370 HS.
30. Ṭabāṭ abā'ī SMH. The Commentary of Al-Mīzān. Qom: Islamic Seminary's Teachers Community Publications; 1417 AH.
31. Ṭabrisī FBH. Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur' an. Tehran: Naser Khosrow; 1372 HS.
32. Tha' labī Nīshābūrī AAbI. Al-Kashf wa Al-Bayān 'an Tafsīr Al-Qur' an. Beirut: Dār Iḥ yā' Al-Turāth Al-' Arabī; 1422 AH.
33. Turayhī FbM. Majma' al-Baḥ rayn. Research: Sayyid 'Ahmad Husseinī Eshkivari. Tehran: Mortazavi; 1375 HS.
34. Zamakhsharī M. Al-Kashshāf ' an Ḥaqāyiq Ghawāmiḍ Al-Tanzīl. Beirut: Dār Kitāb al-' Arabī; 1407 AH.

The Function of Image Processing in Explaining the Story of the Prophet Saleh ^(PBUH) and Educational Approaches of this Function in the Situational Context of the Qur'anic Verses

*Fateme Kiani*¹

*Mohamad-Reza Hajiesmaeli*²

*Azam Parcham*³

Received: 27/6/2018

Accepted: 31/1/2019

Abstract

Thamud as a civilized nation with the ability to engineer natural resources, is aligned with today's advanced societies that are under the shadow of science, what is considerable to understand the diverse notes of this Qur'anic story. But there are some ambiguities in the details of the story, especially in the case of Saleh's (pbuh) she-camel, causing to disagreements between exegetes. Therefore, the study of the image as one of the branches of aesthetic science and because of the existence of the components of thought, language, emotion, truth, imagination, etc. is necessary for the development of semantics and explanation of the ambiguities of the text. On the other, recognizing the context of the situation, which includes the physical, social and mental context, directs the audience of the image to the speaker's purpose.

Recognizing the image components in the context of the Revelation age would pave the way for matching the images in order to educate peoples of different ages. In this article, it is aimed to answer the issue of the relationship between the visual components of the she-camel in the physical, social and mental context of Thamud, to explain the vagueness of the verses related to the she-camel and the nature of the

¹. PhD candidate of Qur'an and Hadith Sciences, University of Isfahan, Iran.

exact_20@yahoo.com

². Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Isfahan, Iran.
(the Corresponding Author)

m.hajis1@yahoo.com

³. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Isfahan, Iran.

azamparcham@gmail.com

educational approaches of this story in the situational context of the age of descent and other ages. In this research, it is also tried to explain the ambiguities by the combination of illustrative components in the synchronous situation of descent and different epochs. The socio-physical order of Thamud, which is the very cause of their arrogance as well, are shown through the image components.

God, according to this feature, chose the emergence of a camel from the heart of the mountain for the completion of the proof, and the water division program for testing Thamud. Allah, by these verses, warns against the disbelief of Mecca in the synchronous texture of descent, and all the perpetrators in the diachronic context, that they are coming to a hard situation.

Keywords: *Qur'an, Diachronic Texture, Synchronous Texture, Image Components, Saleh's (pbuh) She-camel.*